

تفسیر سورہ

منافقون

سیمای سوره منافقون

این سوره همانند سوره جمعه، یازده آیه دارد و در مدینه نازل شده است. بیان ویژگی‌های منافقان، اختصاص به این سوره ندارد و در بسیاری از سوره‌های قرآن، به ویژه سوره‌های مدنی، به ویژگی‌های روحی و رفتاری آنان اشاره شده است. جامع‌ترین سوره در باره منافقان، سوره توبه است که در حدود یکصد آیه به بیان ویژگی‌های آنان پرداخته است. تلاوت آن در نماز جمعه سفارش شده است. شاید دلیل این تأکید، آن باشد که امت اسلامی همواره مراقب توطئه‌های منافقان باشند. در کتب فقهی مانند جواهر الکلام آمده است: اگر امام جمعه بعد از سوره حمد، سوره دیگری را شروع کرد، تازمانی که به نیمه آن نرسیده، می‌تواند عدول کند و سوره منافقون را بخواند مگر آن که سوره‌ای که شروع کرده، جمعه یا توحید باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ

لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ

هنگامی که منافقان نزد تو آیند، گویند: «گواهی می‌دهیم که تو پیامبر خدا هستی» و خدا می‌داند که تو پیامبرش هستی و خدا شهادت می‌دهد که منافقان دروغ‌گویند.

نکته‌ها:

- «نفاق» از «نَفَقَ»، به معنای تونل‌های زیرزمینی است که برای استتار یا فرار از آن استفاده می‌شود. بعضی از حیوانات مثل موش صحرایی و سوسمار، لانه‌هایی برای خود درست می‌کنند که دو سوراخ دارد. منافق نیز، راه پنهان و مخفی برای خود قرار می‌دهد تا به هنگام خطر از طریق آن فرار کند.
- مردم چهار دسته هستند:
- الف) گروهی قلباً ایمان دارند و به وظیفه خود عمل می‌کنند که اینان مؤمن واقعی هستند.
- ب) گروهی قلباً ایمان دارند ولی اهل عمل نیستند که این دسته فاسق‌اند.
- ج) گروهی قلباً ایمان ندارند ولی در ظاهر، رفتار مؤمنان را انجام می‌دهند که منافق‌اند.
- د) گروهی نه قلباً ایمان دارند و نه به وظیفه عمل می‌کنند که این دسته کافرند.^(۱)
- حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: نفاق انسان، برخاسته از احساس حقارتی است که از درون دارد. «نفاق المرء ذلّ یجده فی نفسه»^(۲)

ویژگی‌های منافق در قرآن

- ۱- دروغ‌گویی: ﴿انّ المنافقین لکاذبون﴾^(۳)
- ۲- بی‌هدف و سرگردان: ﴿لا الی هؤلاء و لا الی هؤلاء﴾^(۴) نا با این گروه و نه با آن گروه‌ها.
- ۳- عدم درک عمیق: ﴿لکن المنافقین لا یفقهون﴾^(۵)
- ۴- جمود و عدم انعطاف: ﴿کانهم خُشبٌ مستدّة﴾^(۶)
- ۵- نماز بی‌نشاط: ﴿قاموا کسالی﴾^(۷) با کسالت به نماز می‌ایستند.
- ۶- تندگویی و تندخویی: ﴿سلقوکم بالسنة حداد﴾^(۸) زبان‌های تند و خشن را به شما می‌کشایند.
- ۷- سوگند دروغ: ﴿اتخذوا ایمانهم جُنّة﴾ سوگندهایشان را سپر توطئه‌هایشان قرار دادند.
- ۸- انتقاد از رهبر معصوم: ﴿یلمزک فی الصدقات﴾^(۹) در تقسیم زکات، نیش می‌زنند و تو را در

۱. تفسیر اثنی عشری. ۲. غررالحکم. ۳. منافقون، ۱.
 ۴. نساء، ۱۴۳. ۵. منافقون، ۷. ۶. منافقون، ۴.
 ۷. نساء، ۱۴۲. ۸. احزاب، ۱۹. ۹. توبه، ۵۸.

تقسیم آن عادل نمی‌دانند.

- ۹- تضعیف رزمندگان: ﴿لَا تَنْفَرُوا فِي الْحَرِّ﴾^(۱) می‌گویند: هوا گرم است، به جبهه نروید.
- ۱۰- ایجاد مرکز توطئه به نام مسجد: ﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِداً ضَرَاراً﴾^(۲) (در برابر مسجد پیامبر) مسجدی می‌سازند تا (با توطئه‌های شوم خود) به مسلمین ضرر بزنند.
- ۱۱- پیمان شکنی: ﴿وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَنْ اتَّانُوا مِنْ فَضْلِهِ لِنُصَدِّقَهُ وَ لَنُكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا﴾^(۳) بعضی از آنان با خداوند پیمان بستند که اگر از فضلش به ما داد حتماً صدقه می‌دهیم و از افراد صالح خواهیم بود، پس چون خداوند از فضلش به آنان عطا کرد، بخل ورزیدند و زکات مال خود را ندادند.
- ۱۲- تحقیر مسلمانان: ﴿أَتُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ﴾ آیا همچون سفیهان ایمان بیاوریم؟
- ۱۳- محاصره اقتصادی مسلمانان: ﴿لَا تَنْفِقُوا عَلٰی مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا﴾ به اطرافیان پیامبر چیزی ندهید تا از دور او پراکنده شوند.
- ۱۴- فریب‌کاری و نیرنگ‌بازی: ﴿يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يُخَادِعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ﴾^(۴) می‌خواهند خدا و مؤمنان را فریب دهند، در حالی که جز خودشان را فریب نمی‌دهند.
- ۱۵- بخل در انفاق: ﴿لَا يَنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ﴾^(۵) جز با کراهت انفاق نمی‌کنند.
- ۱۶- امر به زشتی‌ها و نهی از خوبی‌ها: ﴿يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ﴾^(۶)
- ۱۷- فرار از جهاد: ﴿فِرْحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَ كَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا﴾^(۷) بازماندگان (از جنگ تبوک) از مخالفت با رسول خدا خوشحالند و از اینکه به جهاد بروند، ناراحت.
- ۱۸- شایعه پراکنی: ﴿وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ﴾^(۸) هرگاه خبری از آرامش یا ترس را دریافت کنند، (قبل از تحقیق یا مصلحت‌سنجی) آن را پخش می‌کنند.
- چون خطر منافقان زیاد است، ویژگی‌های آنان در سوره‌های متعدّد قرآن مطرح شده است و کمتر سوره‌ای در مدینه نازل شده که با صراحت یا کنایه به منافقان اشاره نشده باشد.^(۹)

۱. توبه، ۸۰.	۲. توبه، ۱۰۷.	۳. توبه، ۷۵ - ۷۶.
۴. بقره، ۹.	۵. توبه، ۵۳.	۶. توبه، ۶۷.
۷. توبه، ۸۱.	۸. نساء، ۸۳.	۹. تفسیر فی ظلال القرآن.

□ نفاق یک دروغ عملی است، کتمان کفر و اظهار ایمان است؛ البته هر کتمانی بد نیست، مانند کتمان فقر یا کتمان عبادت.

□ منافقان دو گروه بودند: گروهی که پس از به قدرت رسیدن اسلام، اظهار ایمان کردند ولی در درون ایمان نداشتند و گروه دیگر کسانی که از ابتدا ایمان آوردند ولی کم‌کم گرفتار دنیا شدند و ایمان خود را از دست دادند، ولی تظاهر به ایمان می‌کردند. امت اسلامی همواره از هر دو گروه ضربه‌های جبران‌ناپذیری خورده است.

□ در زمان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، سخن از منافقان زیاد بود، ولی بعد از رحلت آن حضرت، مسئله مسکوت ماند. در اینجا چند سؤال است:

۱- آیا زنده بودن حضرت سبب نفاق گروهی بود و بعد از رحلت، همه مؤمن واقعی شدند؟!
 ۲- آیا منافقان در همان اقلیتی بودند که دور حضرت علی جمع شده بودند؟! نظیر سلمان، ابوذر، مقداد و...، در حالی که هیچ کس این افراد را منافق ندانسته است، یا منافقان، اهداف خود را در نظر اکثریت یافته و ساکت شدند؟

□ منافقان، هم در دنیا دروغگویند: ﴿انَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ﴾، هم در آخرت سوگندهایی می‌خورند که خداوند آنان را دروغگو می‌نامد: ﴿يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكَمْ وَيَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ أَلَّا أَنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ﴾^(۱)

□ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: من از مؤمن و کافر نمی‌ترسم، ولی از منافق می‌ترسم.^(۲) از سوی دیگر فرمود: من از فقر امت نمی‌ترسم از بی‌تدبیری آنان می‌ترسم.^(۳) آری اگر منافقان رند با جاهلان بی‌تدبیر گره بخورند، جنگ صفین و واقعه کربلا پیش می‌آید.

پیام‌ها:

۱- در صدر اسلام، عناصر منافقی بودند که تا مرکز تصمیم‌گیری جامعه نفوذ کرده حتی پیامبر در معرض توطئه‌های آنان بود. ﴿إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ﴾
 ۲- منافق، از کلمه حق، استفاده باطل می‌کند. ﴿قَالُوا نَشْهَدُ أَنَّكَ لِرَسُولِ اللَّهِ﴾

۱. مجادله، ۱۸.

۲. نهج البلاغه، نامه ۲۷.

۳. عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۳۹.

- ۳- شعارها و کلمات حق را از دست ناهلان بگیرید و خود بکار برید. ﴿قالوا نشهد انک لرسول الله و الله يعلم انک لرسوله﴾
- ۴- چرب زبانی و چاپلوسی، شیوه منافقان است. ﴿نشهد انک لرسول الله﴾
- ۵- منافقان با تأکید و سوگند حرف می‌زنند تا شنونده، سخن آنها را باور کند. ﴿نشهد انک لرسول الله﴾
- ۶- تأکید را با تأکید پاسخ دهید. ﴿نشهد انک لرسول... و الله یشهد ان المنافقین لکاذبون﴾
- ۷- به هر اظهار ارادت و ادعای حمایت دل خوش نکنید. ﴿نشهد انک لرسول... لکاذبون﴾
- ۸- منافقان را رسوا کنید. ﴿والله یشهد ان المنافقین لکاذبون﴾
- ۹- بر خلاف اعتقاد، سخن گفتن دروغ است، گرچه آن سخن راست باشد. (خداوند، سخن منافقان را که به پیامبر اسلام می‌گفتند: تو پیامبر خدا هستی، دروغ می‌داند، چون آنان بر خلاف اعتقاد خود می‌گفتند، گرچه در واقع پیامبر رسول خدا بود). ﴿قالوا نشهد... و الله یشهد ان المنافقین لکاذبون﴾
- ۱۰- ایمان واقعی، اعتقاد قلبی است نه اقرار زبانی. ﴿قالوا... ان المنافقین لکاذبون﴾

﴿۲﴾ اِتَّخَذُوا اٰیْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ اِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوْا
 یَعْمَلُوْنَ ﴿۳﴾ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ ءَامَنُوْا ثُمَّ كَفَرُوْا فِطْبَعٌ عَلٰی قُلُوْبِهِمْ فَهُمْ
 لَا یَفْقَهُوْنَ

سوگندهای خود را سپر ساخته و (مردم را) از راه خدا باز داشتند، به راستی آنچه انجام می‌دهند ناپسند است. آن (نفاق) برای آن است که آنان ایمان آورده سپس کفر ورزیدند، پس بر دل‌هایشان مهر (شقاوت) زده شد و از این رو نمی‌فهمند.

نکته‌ها:

- «جُنَّة» به معنای سپر است که بدن را از تیر دشمن می‌پوشاند؛ «مجنون» به کسی گویند که عقلش پوشیده شده باشد؛ «جنّ» به موجود پوشیده از چشم مردم و «جنین» به بچه پوشیده در رحم مادر گویند و «جَنَّة» باغی که سایه و شاخه درختانش، زمین آن را پوشانده باشد.

□ قرآن، بارها از سوگندهای دروغ منافقان سخن به میان آورده است: آنان سوگند یاد می‌کنند تا شما را راضی کنند. ﴿يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيَرْضَوْكُمْ﴾^(۱)؛ سوگند یاد می‌کنند که ما جز خیرخواهی هدفی دیگر برای ساختن مسجد ضرار نداشتیم. ﴿لِيَحْلِفُوا أَن أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى﴾^(۲)؛ آنان برای شما سوگند می‌خورند که ما توان شرکت در جنگ (تبوک) را نداشتیم وگرنه شرکت می‌کردیم. ﴿وَسِيحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ﴾^(۳)

□ در سراسر قرآن، هر کجا نام منافقان مطرح شده، تعبیر تندی وارد شده است از جمله:

﴿طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ﴾ خداوند بر دل‌های آنان مهر زده است؛^(۴) ﴿لَا يَفْقَهُونَ﴾ آنان شناخت عمیق ندارند؛^(۵) ﴿لَا يَعْلَمُونَ﴾ آنان نمی‌دانند؛^(۶) ﴿لَكَاذِبُونَ﴾ آنان دروغ می‌گویند؛^(۷) ﴿مَا يَشْعُرُونَ﴾ آنان درک ندارند؛^(۸) ﴿مُفْسِدُونَ﴾ فسادگرند؛^(۹) ﴿فِي طَغْيَانِهِم يَغْمَهُونَ﴾^(۱۰) در سرکشی خود سر درگمند؛ ﴿مَا كَانُوا مَهْتَدِينَ﴾^(۱۱) آنان هدایت یافته نیستند؛ ﴿لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ﴾^(۱۲) خداوند هرگز آنان را نمی‌بخشد.

□ بستن راه خدا گاهی بدست منافقان است که از طریق سوگند انجام می‌گیرد. ﴿إِيْمَانِهِمْ جَنَّةٌ فَصَّدُوا...﴾ و گاهی بدست کفار است که از طریق بودجه‌ها انجام می‌شود. ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَنْقُضُونَ أُمُورَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ﴾^(۱۳) همانان کسانی که کفر ورزیدند اموال خود را برای باز داشتن مردم از راه خدا هزینہ می‌کنند.

□ منافقان، از هر طریقی که بتوانند راه خدا را می‌بندند، نظیر: شکستن وحدت مسلمین با ساختن مسجد ضرار، ضربه نظامی به بهانه هوای گرم، ضربه اقتصادی با نهی از کمک به اطرافیان پیامبر، ضربه جانی با توطئه شهادت امام حسن و امام جواد علیهما السلام از طریق همسر. □ رهبر جامعه اسلامی، بیش از همه باید مراقب توطئه‌های منافقان باشد. در این سوره

۱. توبه، ۶۲.	۲. توبه، ۱۰۷.	۳. توبه، ۴۲.
۴. محمد، ۱۶.	۵. منافقون، ۳.	۶. توبه، ۹۳.
۷. منافقون، ۱.	۸. بقره، ۹.	۹. بقره، ۱۲.
۱۰. بقره، ۱۵.	۱۱. بقره، ۱۶.	۱۲. منافقون، ۶.
۱۳. انفال، ۳۶.		

شخص پیامبر مخاطب قرار گرفته است، گرچه همه مسلمین مسئولند: ﴿اِذَا جَاءَكَ، نَشْهَدُ اَنْكَ، رَاَيْتَهُمْ، تَعْجِبُكَ اجْسَامُهُمْ، تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ، فَاحْذَرُهُمْ، اسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ﴾

پیام‌ها:

- ۱- سوء استفاده از مقدّسات و استفاده ابزاری از ارزش‌ها، شیوه منافقان است. ﴿اتَّخَذُوا اِيْمَانَهُمْ جُنَّةً﴾
- ۲- کار فرهنگی منافقان، استفاده از دین علیه دین است. ﴿اتَّخَذُوا اِيْمَانَهُمْ جُنَّةً... فَصَدَّوْا عَنِ سَبِيلِ اللّٰهِ﴾
- ۳- منافقان در تلاشند تا دیگران را از هدایت الهی محروم سازند. ﴿فَصَدَّوْا عَنِ سَبِيلِ اللّٰهِ﴾ (هدف منافقان، بستن راه خداست، اما اینکه مردم به چه راه دیگری بروند، مهم نیست).
- ۴- عملکرد منافقان، سراسر زشت و ناپسند است. ﴿سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾
- ۵- سرانجام نفاق، کفر است. ﴿ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ اٰمَنُوْا ثُمَّ كَفَرُوْا﴾
- ۶- انسان با نفاق، بر قلب خود مهر می‌زند و آن را از درک حقایق محروم می‌سازد. ﴿فَطَبَعَ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ فِهْمًا لَا يَفْقَهُوْنَ﴾

﴿۴﴾ وَاِذَا رَاَيْتَهُمْ تَعْجِبُكَ اَجْسَامُهُمْ وَاِنْ يَقُوْلُوْا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَاَنَّهُمْ خُشْبٌ مُّسْنَدَةٌ يَّحْسَبُوْنَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمْ اَلْعَدُوُّ فَاَحْذَرُهُمْ قَاتِلَهُمُ اللّٰهُ اَنْىُّ يُؤْفَكُوْنَ

و هرگاه آنان را ببینی، قیافه آنان (چنان آراسته است) که ترا به شگفت وادارد و اگر سخن گویند، (به قدری جذاب و زیباست که) به کلامشان گوش فرادهی، گویا چوب‌هایی هستند (خشک و بی‌مغز و بی‌فایده و به هم تکیه داده شده، هر ندایی را علیه خود می‌پندارند، آنان دشمنند، پس از آنان دوری کن، خدا آنان را بکشد، چگونه از حق منحرف می‌شوند.

نکته‌ها:

- در سوره توبه، خداوند به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: اموال و اولاد منافقان ترا به شگفتی نیاندازد، در این جا می‌فرماید: قیافه و بیان آنان سبب شگفتی شما نشود.
- گرچه در این آیه، مخاطب پیامبر اکرم ﷺ است ولی مراد تمام مسلمانان هستند که ممکن است ظواهر و بیان منافقان آنان را تحت تأثیر قرار دهد.
- پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «مثل المؤمن مثل السنبلة تحركها الريح فتقوم تارة و تقع تارة و مثل الكافر مثل ارزه لا تزال قائمة حتى تنقع»^(۱) مؤمن مثل خوشه، انعطاف‌پذیر است و در برابر حوادث کمی خم می‌شود ولی دوباره روی پای خود می‌ایستد، ولی کافر همچون درختی سخت (صنوبر)، بخاطر عدم انعطاف همچنان می‌ایستد تا باد آن را از ریشه بر کند.
- پیامبر اکرم ﷺ فرمود: مؤمن چهار دشمن دارد: مسلمانی که به او حسد می‌ورزد: «مؤمن یحسده»، منافقی که کینه او را در دل دارد: «منافق یبغضه»، شیطانی که او را گمراه می‌کند: «شیطان یضله»، کافری که به جنگ او می‌آید: «کافر یقاتله»^(۲).
- چوب اگر در سقف و دیوار و در و پنجره به کار رفته باشد مفید است، ولی اگر آن را در کناری به چیزی تکیه دهند، نشانه بلا استفاده بودن آن است. ﴿خشبٌ مستدة﴾
- تشبیه منافقان به تنه‌های بریده شده درخت ﴿کانهن خشب مستدة﴾، از جهاتی می‌تواند باشد از جمله: ۱- سبکی و پوکی و شکسته شدن در برابر فشار و ضربه؛ ۲- جمود و خشکی و عدم انعطاف و تأثیر پذیری؛ ۳- عدم استقلال در ایستادن روی پای خود؛ ۴- عدم قدرت بر شنیدن و اندیشیدن.
- منافقان، از مؤمنان دلهره دارند و همواره نگرانند که مبدا آیه‌ای درباره آنان نازل شود: ﴿یحسبون کلّ صیحة علیهم﴾ نظیر آیه ۶۴ توبه که می‌فرماید: ﴿یحذر المنافقون ان تنزل علیهم سورة تنبئهم بما فی قلوبهم﴾
- ﴿هم العدو﴾ یعنی دشمن واقعی این افراد هستند، زیرا اولاً درون جامعه هستند و از اسرار

۱. تفسیر روح البیان، ج ۹، ص ۵۳۳.

۲. نهج الفصاحه، ص ۴۸۱.

مسلمین آگاهند، ثانیاً چون در لباس دوست هستند شناخت آنان مشکل است، ثالثاً چون ناشناخته‌اند مبارزه با آنان سخت‌تر است، رابعاً چون پیوندهای نسبی و سببی با مسلمین دارند برخورد با آنان پیچیده‌تر است و خامساً ضربه آنان غافلگیرانه‌تر است.

پیام‌ها:

- ۱- منافقان، در میان ما و جلو چشمان ما هستند، نه افرادی دور از چشم. ﴿رَأَيْتَهُمْ﴾
- ۲- به هر قیافه‌ای اعتماد نکنیم که قیافه زاهدانه دلیل تقوا نیست. در برخی موارد، ظاهر زیبا وسیله فریب مردم است. ﴿تعجبک اجسامهم﴾
- ۳- اگر هشدارهای الهی نباشد، سخنان زیبا و فریبنده، حتی در پیامبر اثر می‌گذارد. ﴿و ان يقولوا تسمع لقولهم﴾
- ۴- منافقان، ظاهری آرام ولی باطنی پر دغدغه دارند و همیشه در وحشت و اضطرابند. ﴿تعجبک اجسامهم... يحسبون كل صيحة عليهم﴾
- ۵- از دشمن داخلی بیشتر بترسید. ﴿هم العدو﴾
- ۶- دشمن را بشناسیم و فریب ظاهر و سخنان او را نخوریم. ﴿تعجبک اجسامهم... تسمع لقولهم... هم العدو فاحذرهم﴾
- ۷- منافقان با خدا درگیرند و خدا نیز آنها را لعنت می‌کند: ﴿قاتلهم الله﴾. (قاتل) از باب مفاعله در مورد درگیری طرفینی است و لذا نفرمود: «قاتلهم الله»
- ۸- موضع‌گیری منافقان در برابر اسلام، شگفت آور است. ﴿أَنِّي تُوفِّكُون﴾

﴿۵﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّأْ رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ

و هرگاه به آنان گفته شود: بیایید تا رسول خدا برای شما طلب مغفرت کند، (از روی انکار و تکبر و تمسخر) سرهای خود را بر می‌گردانند و آنان را می‌بینی که از سر استکبار، (مردم را از گرایش به حق) باز می‌دارند.

﴿۶﴾ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

برای آنان تفاوتی ندارد که برایشان استغفار کنی یا استغفار نکنی، هرگز خداوند آنان را نمی‌بخشد، زیرا که خداوند گروه فاسق را هدایت نمی‌کند.

نکته‌ها:

- ﴿تعالوا﴾ از ریشه «علو» به معنای آمدن به سوی بلندی و رشد است.
- ﴿لَوْوَا﴾ از ریشه «لوی» به معنای تابیدن طناب و در مورد سرتابیدن از حق به کار می‌رود.
- بالاترین بدبختی آنست که انسان هم خودش را محروم کند: ﴿لَوْوَا رُؤْسَهُمْ﴾، هم دیگران را محروم نماید: ﴿يَصُدُّونَ﴾؛ به خصوص اگر این کارها آگاهانه باشد. ﴿و هم مستکبرون﴾
- مشابه آیه ۶ را در آیه ۸۰ سوره توبه نیز می‌خوانیم: ﴿استغفر لهم او لا تستغفر لهم سبعين مرة فلن يغفر الله لهم﴾ اگر برای منافقینی که به مؤمنین نیش می‌زنند، هفتاد بار هم استغفار کنی، (تا وقتی که دست از نفاقشان برندارند) هرگز خداوند آنان را نمی‌بخشد.

پیام‌ها:

- ۱- به سراغ افراد منحرف رویم و از آنان برای توبه و تجدید حیثیت دعوت کنیم.
﴿و اذا قيل لهم تعالوا يستغفر لكم...﴾
- ۲- دعوت به سوی اولیای الهی، مایه علو و رشد است. ﴿تعالوا﴾
- ۳- دعای اولیای خدا در مورد بخشش گنهکاران، مستجاب است. ﴿يستغفر لكم﴾
- ۴- توسل به پیامبر خدا جایز است. ﴿تعالوا يستغفر لكم رسول الله﴾
- ۵- سر باز زدن از پیشنهاد مفید، نشانه تکبر است. ﴿لَوْوَا رُؤْسَهُمْ... و هم مستکبرون﴾
- ۶- کسی که دعوت حق را نمی‌پذیرد، حتی دعای پیامبر درباره او کارساز نیست.
﴿تعالوا... لَوْوَا رُؤْسَهُمْ... سواء عليهم استغفرت لهم...﴾
- ۷- تکبر و استکبار، انسان را از رحمت بی‌پایان الهی محروم می‌سازد. ﴿هم مستکبرون... لن يغفر الله لهم﴾

۸- هدایت و ضلالت به دست خداوند است ولی او کسی را گمراه می‌کند که به دنبال فسق و گناه باشد. «ان الله لا يهدي القوم الفاسقين»

﴿۷﴾ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا
وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ

آنان همان کسانی هستند که می‌گویند: بر کسانی که نزد رسول خدا هستند، انفاق نکنید تا پراکنده شوند؛ در حالی که خزانه‌های آسمان‌ها و زمین برای خداوند است ولی منافقان نمی‌فهمند.

نکته‌ها:

- «خزائن» جمع «خزینة» به معنای گنجینه است.
- از شیوه‌های برخورد دشمن، محاصره اقتصادی و در تنگنا قرار دادن مؤمنان است. چنانکه منافقان به یکدیگر می‌گفتند: به یاران پیامبر کمک نکنید تا از دور او پراکنده شوند. معاویه نیز در بخشنامه‌ای دستور داد یاران علی علیه السلام را از بیت المال محروم کنند. «انظروا من قامت عليه البيبة انه يحب علياً و اهل بيته فامحوه من الديوان و اسقطوا عطائه و رزقه»^(۱) همان گونه که در کربلا نیز آب را بر یاران امام حسین بستند و امروزه ابرقدرت‌ها برای به تسلیم کشاندن کشورها از فشار محاصره اقتصادی استفاده می‌کنند.

پیام‌ها:

- ۱- یکی از راه‌های دشمن برای شکستن مکتب و رهبر، پراکنده کردن پیروان است. «لا تنفقوا... حتی ينفضوا»
- ۲- افراد مادی تحلیل مادی دارند و فکر می‌کنند مردم برای دنیا دور پیامبر جمع شده‌اند، لذا می‌گویند: کمک نکنید تا پراکنده شوند. «لا تنفقوا... حتی ينفضوا...»
- ۳- مؤمنان نباید در تنگناها، چشم‌امیدی به کمک‌های منافقان و مخالفان داشته

۱. شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱۱، ص ۴۴.

- باشند، بلکه باید توکل آنان به خداوند و گنجینه‌های او باشد. ﴿لَا تَنْفِقُوا... لِّلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ﴾
- ۴- به خودی‌ها امید دهید و سخنان یاوه دشمن را پاسخ دهید. ﴿لَا تَنْفِقُوا... وَلِلَّهِ خَزَائِنُ...﴾
- ۵- فهم منافقان، بر اساس محاسبات ظاهری است و عمق ندارد. ﴿لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ﴾

﴿۸﴾ يَقُولُونَ لَنْ نَّجْعَنَّا إِلَى الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجَنَا الْأَعْرَابُ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ

می‌گویند: «اگر (از این سفر جنگی) به مدینه بازگردیم، عزیزترین افراد، ذلیل‌ترین مردم را بیرون خواهد کرد»، در حالی که عزت و اقتدار مخصوص خدا و پیامبرش و مؤمنین است ولی منافقان نمی‌دانند.

نکته‌ها:

□ در تفاسیر، برای آیات پنجم تا هشتم سوره منافقون، شأن نزول مفصلی آمده است که آن را به طور خلاصه نقل می‌کنیم: بعد از جنگ بنی المصطلق که در سال ششم هجری اتفاق افتاد، هنگام بازگشت به مدینه، میان دو نفر از مسلمانان، یکی از مهاجران و یکی از انصار، بر سر آبگیری از چاه نزاع شد و هر یک برای غلبه بر دیگری از دوستان خود کمک خواست. عبدالله بن اُبی که سر کرده منافقان بود به کمک مرد انصاری شتافت و گفت: ما مهاجران را مسکن و مال دادیم، ولی حالا در برابر ما می‌ایستند. اگر به مدینه برگردیم، عزیزان، ذلیل‌ها را بیرون خواهند کرد.

زیدبن ارقم که جوانی نورسته بود، این گفته را به پیامبر گزارش داد. حضرت، عبدالله بن اُبی را احضار کرد ولی او انکار نمود. انصار گفتند: چرا به خاطر گزارش یک نوجوان، بزرگ ما، عبدالله توبیخ شود؟ پیامبر فرمان حرکت داد و اجازه دستور استراحت نداد تا مردم فرصت و فراغتی برای ادامه حرف‌ها نداشته باشند، هنگامی که به مدینه رسیدند فرزند عبدالله بن

أَبِيّ که از مؤمنین واقعی بود، راه را بر پدر بست و گفت: آیا تو عزیزترین مدینه‌ای و می‌خواهی پیامبر را خارج کنی؟ هرگز نمی‌گذارم وارد شوی، مگر آنکه پیامبر اکرم اجازه دهد. مسئله را به پیامبر گزارش دادند و حضرت اجازه ورود او را به مدینه داد، عبدالله که خود را عزیز می‌پنداشت، ذلیل شد و از شدت خجالت در خانه ماند تا آنکه مرد و هرگاه به او گفته می‌شد بیا نزد پیامبر برویم و عذرخواهی کن، او سرپیچی می‌کرد.

■ امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند امور مسلمانان را به خودشان واگذارده ولی اجازه ذلیل کردن خود را به آنان نداده است: «و لم يفوض اليه ان يكون ذليلاً»^(۱)، سپس آیه «ولله العزة و لرسوله و للمؤمنين» را تلاوت فرمود.

■ در حدیث می‌خوانیم که پرسیدند: چگونه مؤمن خود را ذلیل می‌کند؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «يتعرض لما يطيق» و «يدخل فيما يعتذر منه»^(۲) در کاری که توان انجامش را ندارد و از انجامش معذور است وارد می‌شود.

■ در عبارت «ولله العزة»، چون «لله» مقدم بر «العزة» شده است، انحصار استفاده می‌شود، یعنی عزت واقعی مخصوص خداست.

■ عزت خداوند، ذاتی اوست و عزت پیامبر، بدلیل عنایات ویژه خداوند به او و عزت مؤمنان، به خاطر وعده الهی بر نصرت و پیروزی نهایی آنان است.^(۳)

پیام‌ها:

- ۱- منافقان، در صدد براندازی حکومت اسلامی هستند. «ليخرجنّ الاعزّ منها الاذلّ»
- ۲- منافقان، خود را عزیز و پیامبر و مؤمنان را ذلیل می‌دانند. «ليخرجنّ الاعزّ منها الاذلّ»
- ۳- خداوند، پیروزی و عزت مؤمنان را به شرط مؤمن ماندن تضمین کرده است. «ولله العزة و لرسوله و...»

۲. تفسیر نورالثقلین.

۱. کافی، ج ۵، ص ۶۳، به نقل از تفسیر راهنما.

۳. تفسیر اطیب البیان.

۴- عزّت، در انحصار خدا، پیامبر و مؤمنان است. ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾
 ۵- به یاهو سرایی دشمن پاسخ دهید و به کسانی که خود را عزیزترین مردم و پیامبر را ذلیل‌ترین می‌پندارند بگویید: ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾
 ۶- منافقان از شناخت حقایق عاجزند. نه قدرت درک این مطلب را دارند که خداوند در برابر تحریم اقتصادی، مؤمنان را روزی می‌دهد: ﴿لَا يَفْقَهُونَ﴾ و نه اینکه عزّت حقیقی از آن اهل ایمان است. ﴿لَا يَعْلَمُونَ﴾

﴿۹﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و اولادتان شما را از یاد خدا غافل نسازد، و کسانی که چنین کنند، آنان همان زیانکارانند.

نکته‌ها:

□ تا اینجا آیات مربوط به منافقان به پایان رسید، ولی چون یکی از عوامل نفاق، علاقه زیاد به دنیاست، این آیه به مؤمنان هشدار می‌دهد که اموال و اولاد، شما را غافل نکند.^(۱)

غفلت از یاد خدا

□ عوامل بازدارنده از یاد خدا بسیار است، ولی مهم‌ترین آنها، اموال و اولاد است که این آیه به آنها اشاره نموده است. ﴿لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ﴾ شراب و قمار نیز مانع یاد خداست. ﴿يَصُدِّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ﴾^(۲)
 تجارت و داد و ستد نیز می‌تواند از موانع باشد. لذا قرآن از کسانی که داد و ستد، آنان را از یاد خدا باز نداشته ستایش کرده است. ﴿رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ﴾^(۳)
 تکاثر و فزون‌طلبی از عوامل بازدارنده است. ﴿الْهَٰكِمُ التَّكَاثُرُ﴾^(۴)

۱. تفسیر نمونه.

۲. مائده، ۹۱.

۳. نور، ۳۷.

۴. تکاثر، ۱.

آرزوهای طولانی نیز مانع یاد خداست. ﴿یلهم الامل﴾^(۱)

رفاه‌زدگی از عوامل دیگر غفلت است. ﴿متعتهم و آبائهم حتی نسوا الذکر﴾^(۲)

البته علاقه به دنیا آنگاه خطرناک است که انسان، دنیا را مقدمه آخرت نبیند و هدفش در تمام کارها، دنیا باشد. ﴿فاعرض عن من تولی عن ذکرنا و لم یرد الا الحیاة الدنیا﴾^(۳) از کسی که از یاد ما اعراض کرده و جز زندگی دنیا اراده‌ای ندارد، دوری کن.

روشن است که غفلت از یاد خدا سبب هم‌نشینی با شیطان می‌شود: ﴿و من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطانا فهو له قرین﴾^(۴) انسان را به عذاب شدید و فزاینده‌ای گرفتار می‌سازد: ﴿و من یعرض عن ذکر ربّه یسلکه عذاباً صعداً﴾^(۵)

□ آنچه خطرناک است غفلت از یاد خداست، نام بردن از اموال و اولاد، به خاطر آن است که این دو قوی‌ترین عامل غفلت هستند.

□ ﴿ذکر الله﴾ شامل همه‌گونه ذکر و یاد خدا می‌شود، اما بارزترین ذکر خدا، نماز است که باید مراقب بود رسیدگی به اموال و اولاد انسان را از نماز باز ندارد.

□ شاید دلیل مانع بودن مال و فرزند، جلوه‌های ظاهری آنهاست که انسان را از خدا غافل می‌سازد. ﴿المال و البنون زینة الحیاة الدنیا﴾^(۶)

□ قرآن، مال و فرزند را مایه فتنه و آزمایش دانسته ﴿واعلموا انما اموالکم و اولادکم فتنه﴾^(۷) و می‌فرماید: مال و فرزند، عامل قرب شما به خداوند نیستند، ﴿و ما اموالکم و لا اولادکم بالّتی تقرّبکم عندنا زلفی﴾^(۸)

پیام‌ها:

۱- برای آن که مؤمنان را موعظه کنید و آنان بپذیرند، به آنان شخصیت دهید. ﴿یا ایها الذّین آمنوا...﴾

۱. حجر، ۳.	۲. فرقان، ۱۸.	۳. نجم، ۲۹.
۴. زخرف، ۳۶.	۵. جن، ۱۷.	۶. کهف، ۴۶.
۷. انفال، ۲۸.	۸. سبأ، ۳۷.	

۲- لازمه ایمان، برتری دادن یاد خدا بر مال و فرزند است. ﴿یا ایها الذین آمنوا لا تلهمکم...﴾

۳- مال و فرزند، کم یا زیادش، می تواند مانع یاد خدا باشد. ﴿اموالکم... اولادکم﴾
 ۴- خسارت واقعی، غفلت از یاد خدا است. ﴿فاولئک هم الخاسرون﴾ (از دست دادن مال و فرزند، خسارت جزئی است، ولی غفلت از خالق خسارت کلی است).

﴿۱۰﴾ وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِنَ الصَّالِحِينَ

و از آنچه روزی شما کرده ایم انفاق کنید پیش از آنکه مرگ به سراغ هر یک از شما آید، پس (در آستانه رفتن) گوید: پروردگارا چرا (مرگ) مرا تا مدتی اندک به تأخیر نیاوردی تا صدقه (و زکات) دهم و از صالحان گردم.

﴿۱۱﴾ وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

و هرگز خداوند مرگ کسی را که اجلش فرارسیده، به تأخیر نمی اندازد و خداوند به آنچه عمل می کنید آگاه است.

نکته ها:

- در آیه هفتم، منافقان می گفتند: به یاران پیامبر کمک نکنید تا دور او را خلوت کنند. شاید این آیه برای خنثی کردن طرح آنان، به مؤمنان می گوید: شما که ایمان دارید به مؤمنان کمک کنید تا دور حضرت خالی نشود.
- اگر انسان، مرگ و قیامت را باور کند، خیلی راحت انفاق می کند. قرآن، چندین بار برای ایجاد انگیزه انفاق، مسئله معاد و قیامت را مطرح کرده است، از جمله در سوره بقره آیه ۲۵۴ می فرماید: ﴿انفقوا مما رزقناکم من قبل ان یأتی یوم لا بیع فیہ ولا خلة ولا شفاعة﴾ از آنچه به شما داده ایم پیش از آن که قیامت فرارسد که دوستی و داد و ستد و شفاعتی در کار نیست، انفاق کنید.

- ابن عباس می‌گوید: این درخواستِ فرصت در لحظه مرگ، برای کسانی است که زکات مال خود را نداده‌اند یا مستطیع بوده ولی حج انجام نداده‌اند.^(۱)
- تقاضای مهلت و بازگشت به دنیا پذیرفته نیست، نه در آستانه مرگ، که آیه ۱۰۰ سوره مؤمنون و این آیه می‌فرماید، و نه در قیامت که دوزخیان می‌گویند: ﴿رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنَّا عِندَنَا ظَالِمُونَ﴾^(۲)
- امام باقر علیه السلام با استناد به آیه ﴿وَلَن يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا﴾، فرمود: هر سال در شب قدر تمام امور تا شب قدر بعدی، ثبت و حتمی شده و نازل می‌شود و تغییر و تأخیری در آن صورت نمی‌دهد.^(۳)

پیام‌ها:

- ۱- برای دعوت مردم به کار خیر، بسترسازی کنید. ﴿انفقوا... من قبل أن يأتي احدكم الموت﴾ (فرا رسیدن مرگ و نداشتن فرصت بازگشت و التماس برای تأخیر مرگ را یادآوری کنید).
- ۲- آنچه داریم از خداست نه از خودمان. ﴿رزقناکم﴾
- ۳- علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد. ﴿من قبل ان يأتي﴾ (با فرا رسیدن مرگ راه عمل بسته می‌شود)
- ۴- مرگ، بی‌خبر می‌رسد و قابل تأخیر نیست. ﴿يأتي احدكم الموت... لولا اخرتني﴾
- ۵- ثروتمندانی که در زمان حیات خود، اهل انفاق نبوده‌اند، به هنگام مرگ، تأسف بسیار خواهند خورد. ﴿ربِّ لولا اخرتني... فاصدق﴾
- ۶- نشانه شایستگی و صالح بودن، انفاق به محرومان است. ﴿اكن من الصالحين﴾

«والحمد لله رب العالمين»

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. مؤمنون، ۱۰۷.

۳. تفسیر نورالثقلین.